



حاشیه قوی تر از متن

نوشته احسان زیور عالم

سی و هشتمین دوره جشنواره تئاتر فجر به پایان خود رسیده است و شاید به جد بتوان گفت عجیب‌ترین دوره خود را پشت سر گذاشته است. شاید اگر همانند دوره‌هایی چون مرحوم کشن فلاح، جشنواره در انقیاد نیروهای دولت وقت می بود، حواشی چنین نمی شد. جشنواره به یک گعده برای گروهی خاص بدل می شد و تمام. مثل آن اختتامیه عجیب و غریب؛ اما این بار دبیر جشنواره نادر برهانی مرند بود. کسی که در انتخابات خانه تئاتر بالاترین رأی را آورده بود و سرمایه اندوخته‌اش در ۳۰ سال فعالیت هنریش، جلب اعتماد عمومی جامعه تئاتری بود. او یک دوره کم افت و خیز را در دوره سی هفتم تجربه کرده بود و با توجه به جلسات آسیب‌شناسی و نقادی‌های بسیار، قصد پوست‌اندازی برای فجر داشت؛ ولی یک اتفاق تمام معادلات را برهم ریخت.

اتفاقاتی که به هیچ عنوان به دبیرخانه فجر ارتباطی نداشت، دامنگیر جشنواره می شود. آن هم زمانی که جدول جشنواره بسته شده بود و برای نخستین بار، قرار بود چند هفته پیش از شروع جشنواره، برنامه تئاتر فجر در اختیار مخاطبان قرار گیرد. یک فرصت خوب برای آنکه بدانیم چگونه می‌بایست نمایش‌ها را ببینیم. حتی با وجود وضعیت مالی نه‌چندان مناسب جشنواره، نام‌هایی چون کاستلوجی و باربا نشان می‌داد هنوز بخش بین‌الملل برای جشنواره اهمیت دارد. دانشجویان منتظر کلاس‌ها و کارگاه‌های استادان بنام ایتالیایی بودند؛ ولی همیشه در، آن‌گونه که ما می‌خواهیم برپا شده نمی‌چرخد. برای نادر برهانی مرند همه چیز به یک مولودرام شباهت داشت. از یک سو بچه‌های غیرتهرانی پای جشنواره ایستادند و از سوی دیگر بزرگان دعوت شده پا پس کشیدند.

همین مسأله موجب شد تا بدانیم جشنواره تئاتر فجر چقدر بی‌خود و بی‌جهت بزرگ شده است و مدیریت این همه بخش از راندمان آن کاسته است. می‌شود با یک جدول کوچک‌تر

سالن‌های کمتری را درگیر کرد و فرصت را برای دیده شدن نمایش‌های منتخب فراهم کرد. بسیاری از نمایش‌های جشنواره امسال دو روز روی صحنه رفتند تا نقل قول‌ها و تمجیدها شرایط اجرا را دگرگون کند. هرچند هنوز شرایط جشنواره تحت‌الشعاع وضعیت رسانه‌ای پیش از آغاز جشنواره قرار دارد. این وضعیت خود نشانگر آن است که سهم تئاتر فجر از رسانه‌های فراگیر اندک است. جز روزنامه‌های ایران، همشهری و فرهیختگان هیچ رسانه‌ای به صورت ویژه به جشنواره تئاتر فجر نپرداخته است. حتی رسانه‌هایی که به انتقاد از رفتار هنرمندان پرداختند، پای هنرمندان باقی مانده در تئاتر فجر نماندند. وضعیت در تلویزیون فاجعه‌بارتر است و جور سردی مدیران تلویزیون را رادیو کشید. جشنواره ۳۸ تئاتر فجر نشان داد که در فضاهای این‌چنینی در نهایت رادیو مأمنی است برای خانواده تئاتر.

رسانه‌ها با عقب کشیدن از جشنواره حق هنرمندان غیرتهرانی را ضایع کردند. امسال از جذاب‌ترین سال‌های برای نمایش‌های غیرتهرانی بود. با توجه به قوانین وضع شده در انتخاب آثار غیرتهرانی تنوع جذابی از استان‌های مختلف در جشنواره پدید آمد. نمایش‌ها عموماً با توجه به زیست و اقلیم منطقه تولید شده‌اند و به شدت بر مواضع اجتماعی روز آن اقلیم ایستادگی کرده‌اند. خلاقیت، تولید و اجرای آثار نشان از کاهش فاصله میان آثار در تهران و استان‌ها خبر می‌دهد. به نحوی که می‌توان مدعی شد در صورت امکانات در برخی از استان‌ها می‌توان فرصت آفرینش‌گری برای تولید آثار عظیم به جوانان دیگر استان‌ها داد. البته نبود یک داور غیرتهرانی در میان داوران فجر می‌تواند یک آسیب به حساب آید. فرصتی که می‌شد برای جلوگیری از ارباب داوران نسبت به برخی اسم‌ها استفاده شود. در حوزه بین‌الملل اما فجر حرفی برای گفتن نداشت. حذف بخش مسابقه فجر و در نهایت ریزش یک‌شبه اجراها شرایط را

به سویی برد که فجر از آن حال و هوای چند ساله خود فاصله بگیرد. هرچند با دیدن آثار روی صحنه رفته کاش هزینه بخش بین‌الملل صرف آثار غیرتهرانی می‌شد و به نوعی دولت بودجه فجر را به یک سرمایه‌گذاری برای تولیدات آینده کارگردانان حاضر در جشنواره تبدیل می‌کرد. مهمی که رخ نداده است و این احتمال وجود دارد با پایان جشنواره، سیل انتقادات به سوی دبیر جشنواره و اداره کل هنرهای نمایشی سوق یابد. انصراف چند هنرمند و گروه از فجر نیز موضوعی بود که شاید رسانه‌ها بیش از خود فجر بدان پرداختند. بماند که ریشه ماجرای انصراف گویا به داخل کشور بازمی‌گردد؛ اما نگارنده انتظار داشت بخش بین‌الملل حذف می‌شد و به همان بازار تئاتر تقلیل می‌یافت.

بازار تئاتر امسال کمی متفاوت از دوره‌های قبل برگزار شد. برخلاف رویه کمتر رسانه‌ای شده، در این دوره دوپنل خبری برای مدعوین طراحی شد و مخاطبان بازار در یک جلسه معارفه با میهمانان و شرکت‌کنندگان آشنا شدند. هرچند آماری از وضعیت بازار تئاتر منتشر نشده است؛ اما به نظر می‌رسد شرایط از سال پیش بهتر پیش رفته است. البته این صرفاً یک حدس است که مستلزم شفاف‌سازی عوامل این بخش می‌باشد. جشنواره تئاتر فجر در دوره سی و هشتم خود نشان داد آیین‌نامه مصوبش چندان کارایی ندارد. خلأهای قانونی آن نسبت به جشنواره فیلم فجر آشکار شد. نبود قراردادهای رسمی در میان گروه‌ها و البته میان فجر و اثر منتخب نیز از خلأهایی است که می‌بایست مدیران فجر بدان اهمیت دهند؛ هرچند با توجه به سیر خصوصی سازی تئاتر در ایران شاید وقت آن رسیده باشد که درباره مشارکت بخش خصوصی در جشنواره تئاتر فجر نیز بیشتر اندیشه کرد. کما اینکه هیچ اسپانسر پای جشنواره تئاتر فجر نمی‌آید؛ چرا که این جشنواره دولتی جذابی برای بخش خصوصی ایجاد نمی‌کند که دلایل آن روشن است. ■